

واقعیت‌ها را متقاضی، آشنایان پذیرا و در تهرمان

پیشتر هورسفیلد
برگردان: محمدرضا امین

اشاره

دکتر پیتر هورسفیلد^۱ هم تدریس می‌کند و هم مدیر پروژه‌های تحقیقاتی دانشکده ارتباطات کاربردی^۲ در دانشگاه RMIT در ملبورن استرالیا است. وی در زمینه استفاده‌های مسیحیت از رسانه و تأثیر کلامی و اجتماعی تحولات رسانه‌ای، آثار زیادی به چاپ رسانده است. یکی از آثار پیشین وی با عنوان تلویزیون دینی: تجربه آمریکایی^۳ که در سال ۱۹۸۴ منتشر شد، به عنوان یکی از آثار کلاسیک اولیه در مطالعات تبلیغ مذهبی تلویزیونی شناخته شد. او از سال ۱۹۸۷ تا سال ۱۹۹۶ رییس تالار کلامی کلیسای متحدکننده^۴ و سخنران در کلام عملی دانشکده متحد کلام در ملبورن^۵ بود. او از سال ۱۹۹۷ تا سال ۱۹۹۹ ریاست پروژه تحقیقات کلیسای الکترونیکی در کمیسیون تبلیغ کلیسای متحدکننده ویکتوریا^۶ را بر عهده داشت.

وی همچنین به مدت پنج سال یکی از ویراستاران مؤسس نشریه ملی وزارت کشور استرالیا و رییس هیئت انجمن تلویزیون مسیحی ویکتوریا^۷ نیز بوده است. او در سال ۱۹۸۷ قهرست بحث ای میلی دربارهٔ رسانه، کلیسا و باور دینی را پی‌ریزی کرد و همچنان مدیریت آن را بر عهده دارد. مدارج علمی وی شامل لیسانس هنر از دانشگاه کوپینزلند، لیسانس الهیات از دانشگاه کوپینزلند و دکتری فلسفه از دانشگاه بوستون است.

وی همچنین عضو هیئت مدیرهٔ پروژه فرهنگ و دین رسانه‌ای^۸ - که شرکتی است غیرانتفاعی در تگزاس با مسئولیت تأمین مالی و حمایت از پروژه‌های تحقیقی در عرصهٔ رسانه، دین و فرهنگ - و عضو کمیسیون بین‌المللی مطالعهٔ رسانه، دین و فرهنگ^۹ بود که بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ فعالیت داشته است. وی در حال حاضر رییس کمیتهٔ بین‌المللی مدیریت همکاری پورتیکوس برای تحقیق در عرصه فرهنگ و دین رسانه‌ای^{۱۰} است.



دکتر پیتر هورسفیلد

1. Peter Horsfield.
2. School of Applied Communication.
3. Religious Television: The American Experience.
4. Dean of the Uniting Church Theological Hall.
5. Lecturer in Practical Theology in the United Faculty of Theology in Melbourne.
6. Electronic Culture Research Project at the Commission for Mission of the Uniting Church in Victoria.
7. Christian Television Association in Victoria.



و اما بعد...

تعداد همایش‌های بین‌المللی برگزار شده در حوزه دین و رسانه در سال‌های اخیر افزایش یافته است. من این امتیاز را داشته‌ام که به عنوان یک محقق در برخی از آن‌ها حضور پیدا کنم. همایشی که در ۱۳-۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۵ درباره رسانه و دین در تهران برگزار شد، تا آن‌جا که من می‌دانم، اولین همایش در یک کشور، با جمعیت اکثرأ مسلمان بود؛ از این‌رو تمایل بسیاری به دریافت دعوت‌نامه برای حضور به عنوان یکی از شرکت‌کنندگان بین‌المللی وجود داشت. اگر به گذشته برگشته و نگاهی به تجارب داشته باشیم، برخی از بینش‌های حاصله، برجستگی خاصی برای من دارند. یکی از آن‌ها عبارت بود از آگاهی از ساختار ایران.

تناقضات بین انتظارات اولیه من با تجربه عالی بعدی من از رفتن و شرکت در این همایش، مرا متوجه این نکته نمود که صرفاً در اثر بزرگ شدن و زندگی در غرب، تعدادی پیش‌فرض ناخودآگاه بررسی نشده - نسبت به ایران - دارم. من خود را در چندین موقعیت، متعجب از مسائلی یافتم که با آن‌ها مواجه شده بودم ولی بعداً متحیر شدم که چرا از آن‌ها شگفت‌زده شده‌ام. یکی از آن‌ها مسئله امنیت شخصی^{۱۱} بود. اولین واکنش من به هنگام دریافت دعوت‌نامه، واکنشی همراه با سوءظن بود؛ عدم اطمینان از این‌که آیا این دعوت‌نامه تقلبی نیست؟ آیا این همایشی قانونی است؟ و تردید درباره این‌که آیا اگر بپذیرم و بروم، امنیت دارم؟ این دغدغه‌ها به شدت مرا به خود مشغول کرده بود.

پایگاه اینترنتی Australian Government Smart Traveler در آن زمان به استرالیایی‌هایی که به ایران سفر می‌کردند، توصیه می‌کرد که نهایت احتیاط را به خرج دهند. تعدادی از همکاران درباره امنیت و دلائل سفر به ایران سؤال می‌کردند؛ حتی هنگامی که عازم شدم، یکی از آن‌ها مرا چنان محکم در آغوش گرفت که گویا برنخواهم گشت! تا دیروقت درباره گرفتن بلیط متحیر بودم و در نتیجه ابتدائاً فقط توانستم یک بلیط یک‌سره بگیرم که تشویبم را درباره این‌که آیا فریبی در کار است یا خیر، بیشتر کرد؛ نگرانی‌ای که تا به حال درباره همایش مشابهی در غرب به آن فکر نکرده بودم. تنها پس از تشویق‌های گرم تعدادی از همکاران بین‌المللی که در مقایسه با من آگاهی و ارتباط بیشتری با ایران داشتند، بود که شرکت در همایش را پذیرفتم. ولی واقعیت کاملاً متفاوت بود. سخاوتمندانه از ما پذیرایی شد. با تنوعی از دیدگاه‌های سیاسی مواجه شدیم و از تعاملات دانشگاهی دوستانه و عموماً گرم با تنوع گسترده‌ای از افراد لذت بردیم.

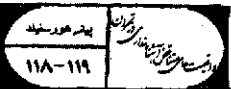
گذشته از تلاش برای عبور از خیابان با وجود ترافیک، امنیتی که در تهران احساس کردم بیشتر

8. The Media Religion and Culture Project.

9. International Study Commission on Media, Religion and Culture.

10. International Management Committee for Porticus Fellowships for Research in Media Religion and Culture.

11. the personal security



از امنیت در برخی از بخش‌های نیویورک یا سانفرانسیسکو بود. در گفت‌وگوها، افراد مکرراً بین اشخاص متعلق به کشورهایی که ایران با آن‌ها اختلافات سیاسی داشت و بین مشی رسمی سیاسی آن کشورها تمایز قائل می‌شدند.

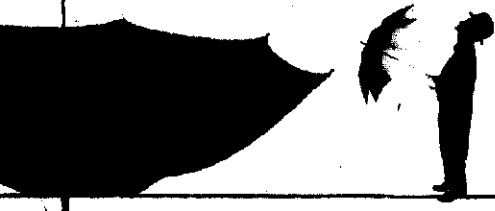
به نظر من لفاظی سیاسی‌ای که از سال گذشته مشخصه روابط ایران و غرب شده است، این مخالفت و تنوع سیاسی را در داخل کشور سرکوب کرده و ایجاد یک جبهه متحدتر در داخل کشور در برابر یک دشمن مشترک خارجی را تقویت می‌کرد.

من از ماهیت بین‌المللی اساتید در این دانشگاه شگفت‌زده شده و دیدم تعجب می‌کنم که چرا این شگفتی را داشته‌ام. بیشتر اساتید حاضر در همایش، دکتر و بسیاری از آن‌ها از دانشگاه‌های غربی بودند و از آخرین پیشرفت‌ها در پژوهش‌های فرهنگی و انتقادی رسانه آگاهی داشتند و آن را در تدریس خود منعکس می‌کردند. بحث‌های بیشتر، روشن کرد که ایران جهت حمایت از محققان در کسب اعتبارنامه‌های بین‌المللی و در معرض تفکر و تحولات بین‌المللی قرار گرفتن، یک سیاست ملی را در پیش گرفته است.

من از مباحث ایران نسبت به هویت ممتاز فرهنگی و حفظ آن در شگفت شده و دریافتم که درک این امر یکی از بینش‌های برابر این سفر بود. آن‌ها با وجود این که یک کشور اکثراً مسلمان هستند، خود را به واسطه تاریخ، زبان و فرهنگ، به عنوان ایرانی و نه عرب متمایز می‌کنند. من باید این مطلب را متوجه می‌شدم و با آگاهی از عدم اطلاع، دریافتم که آموزش‌ها و رسانه‌های غربی چه میزان اندکی از آن تفاوت فرهنگی و لوازم بین‌المللی و سیاسی را منتقل می‌کنند.

با ابعاد متفاوتی از محدودسازی دینی و سیاسی زنان مواجه شدم و تلاش‌های بسیاری از زنان برای مقاومت در برابر این محدودیت را مشاهده کردم. بخش زیادی از شرکت‌کنندگان در این همایش زنان بودند که به گونه چشم‌گیری روسری، مانتو و پوشش‌های سیاهی داشتند که همه بدنشان غیر از چشم‌ها، بینی، گونه‌ها، دهان و چانه را پوشانده بود. ولی زنان به شیوه‌های مختلفی در حال به چالش کشیدن این محدودیت هستند. در میان زنان می‌توان به طور پراکنده دانشجویانی را دید که روسری‌های رنگی‌ای پوشیده بودند که از جلوی سر به سمت عقب رفته بود، به صورتی که در عین رعایت قانون، آشکارا مرزهای آن را پس می‌زد.





بحث‌ها با اساتید دانشکده حاکی از این بود که شاخص ازدواج در حال کاهش و طلاق در حال افزایش است و نیز زنان خواهان گفت‌وگوهای بیشتری پیش از ازدواج هستند؛ همان‌گونه که از طریق اعمال مقاومت شخصی با ابزارهایی که در اختیار دارند، محدودیت‌های فرهنگی تحمیلی بر خود را به چالش می‌کشند. اظهارنظرهای *لین شافیلد کلارک*^{۱۲} در این باره، ابعاد دیگری از همه عناصر مؤثر و دارای نقش در این همایش را روشن می‌کند.

بعد ارزشمند یکی از تنها هشت شرکت‌کننده غربی بودن در چنین همایشی، آن هم در کشوری با جمعیت اکثراً مسلمان، این بود که گوش فرادادن به بحث‌هایی که مسلمانان در میان خودشان دربارهٔ تعامل رسانه و دین داشتند، امکان‌پذیر می‌شد و این بحثی است که غالباً در غرب در نمی‌گیرد.

این همایش مشترکاً از سوی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و دانشگاه تهران برگزار می‌شد. صداوسیما روزانه چندین ساعت برنامهٔ دینی را در کانال‌های مختلف خود پخش می‌کند و شدیداً مشتاق محوریت دادن به مسائل برنامه‌سازی دینی در دستور جلسهٔ همایش بود. تعدادی از اساتید، خواهان این بودند که دستور جلسه بسط یافته و تحرکات وسیع‌تر رسانه و دین در فرهنگ و جامعهٔ ایران در فضای گسترده‌تر رسانهٔ جهانی را نیز لحاظ کند.

برنامه‌سازی دینی کاملاً در دستور جلسه نمایان بود. سخنرانی‌ها، دیدگاه‌ها و موضوعاتی را مطرح کردند که آن‌ها را با تحقیقات خودم دربارهٔ پخش برنامه‌های دینی - مناسب بودن قالب‌های خاص، پژوهش‌های مربوط به تولید، مخاطبین و قانونی بودن مضمون و عوامل - در دههٔ ۵۰ میلادی در *استرالیا و ایالات متحده* نزدیک یافتیم. کاهش مخاطبین جوان، طرح مسائل مربوط به این که نهادی در سطح ملی، برنامه پخش کرده و مأمور تبلیغ دین در میان جوانان شده، چگونه می‌تواند هنگامی که عوامل مشغول‌کننده‌تر و جذاب‌تری در اختیار آن مخاطبین جوان است، برای جذب و حفظ بینندگان برنامه‌ریزی کند، به گونهٔ خاصی در مباحث مورد توجه بودند. تعدادی از این موارد در بحث‌های مربوط به مسائل جهانی‌سازی، امپریالیسم فرهنگی غرب و حفظ هویت ملی مطرح بوده‌اند. این امور در بحث‌هایی که خارج از نشست‌ها با گروه‌هایی از دانشجویان داشتم با قوت تمام پی‌گیری شد؛ بحث‌هایی که طی آن، برخی از ارزش‌های دسترسی داشتن به رسانه

12. Lynn Schofield Clark.

جهانی و مشارکت علنی‌تر در بازار جهانی حمایت می‌کردند و دیگران نیز حامی دفاع از انسجام فرهنگی بودند و در جانبداری از محدودیت‌ها و حتی سانسور، برای حفظ اسلام استدلال می‌کردند؛ چرا که این درس را از انحطاط دینی و فرهنگی‌ای که در مصرف‌گرایی غربی شاهد بودند، فرا گرفته بودند.

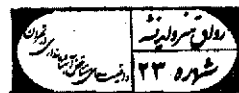
از دید من این امر یکی از جالب‌ترین و مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در همایش و موضوعی بود که متأسفانه در دستور جلسه فعالانه پی‌گیری نشد؛ هنگامی که در یک زمینه گسترده‌تر جهانی که از تنوع و استقلال مصرف‌کننده^{۱۳} حمایت می‌کند، یک دین رسمی^{۱۴} می‌کوشد تا خود را در رسانه‌ای تبلیغ کند که کنترل تفسیر و مصرف، هر دو را به دست بیننده می‌دهد، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ آیا اسلام می‌تواند متفاوت از مسیحیت، این مسئله را در پایان قرن بیستم، به گونه‌ای انجام دهد که سخن‌پراکنی دین رسمی، جای خود را به دین رقابت‌طلب که خود را با کالاسازی فرهنگی وسیعی هم‌سو کرده است، بدهد؟

تحقیق درباره اسلام و رسانه جدید نشان می‌دهد که رشد رسانه جدید، مجموعه رنگین عریض‌تری^{۱۵} از منابع و تجلیات اسلامی را در اختیار بینندگان قرار می‌دهد که سیمای تثبیت‌شده محلی و حتی ملی را نادیده گرفته یا به چالش می‌کشند.

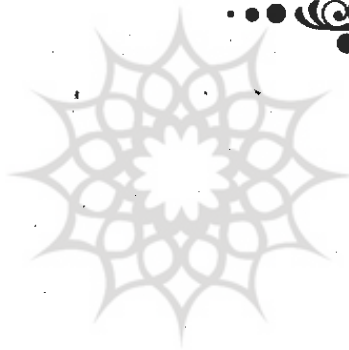
سخنرانی‌های رسمی همایش، دارای تجانس نسبی درباره درک صحیح از دین اسلام و عمل به آن بود؛ مباحث خارج از نشست‌ها منعکس‌کننده تنوع بسیار بیشتری بود. در آخرین روز حضورم در تهران، گفت‌وگویی طولانی و همراه با آسودگی با یک فرد جوان‌تر داشتم؛ فردی که در بیشتر اوقات هفته با ما همراه بود. از او درباره جوانان و دین سؤال کردم. او گفت که جوانان در جهت‌گیری و رفتار رسانه‌ای خود، بسیار جهانی‌تر هستند. پرسیدم آیا شما به مسجد می‌روید؟ و او پاسخ داد که دینمان از ما نمی‌خواهد که به مسجد برویم، ما می‌توانیم شخصاً نماز بخوانیم! [۱] سؤال کردم آیا شما شخصاً نماز می‌خوانید؟ جواب داد نه! من روحیه مذهبی خاص خودم را دارم. پرسیدم منظورتان چیست؟ گفت در روزهایی که تعطیل هستیم به تپه‌ها می‌روم، قدم می‌زنم و در هوای تازه تنفس می‌کنم.^{۱۶}

- 13. consumer
- 14. official religion
- 15. a wider palette

۱۶. این شک رفتار دینی و همچنین برداشت شخصی دکتر هور سفید نمی‌تواند معیاری برای سنجش نگاه مذهبی جوانان ایران باشد. (نامه)



این بحث خوبی است. در روند تغییر دادن شیوه‌های ارتباطاتی که ساختارهای پیشین اسلام را تقویت کرده و طی فرآیند استفاده از تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای در کاربردی همگانی، آیا رسانه‌ای کردن مجدد اسلام،^{۱۷} آسکال جدید،^{۱۸} ادراکات جدید^{۱۹} و شکل‌یابی جدیدی^{۲۰} برای اسلام ایجاد خواهد کرد یا نه؟ و این امور - به اندازه غرب‌گرایی^{۲۱} - ساختارهای قدرت و فرهنگ‌های اسلامی فعلی را به چالش می‌کشند؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- 17. re-mediatization
- 18. new forms
- 19. new sensibilities
- 20. new alignments
- 21. Westernisation

